یکصد خاندان حکومتگر ایران (خاندان اتابیک)

قاسمی، ابوالفضل

بزرگان خاندان اتابکی معتقدند و مینویسند"گرگین خان را پسری دیگر بنام‏ لاچین خان بوده است که پس از مرگ پدر خود با برادران توأم علم مخالفت با روسها را برافراشتند مدتها جنگیدند تا بالاخره بدستور شاه و اطمینان عباس میرزا محرمانه بایران‏ وارد شدند این دوره مصادف با جنگ ایران و عثمانی بود که سپاهیان عباس میرزا در محاصره‏ بوده این مرد با کمک کسان خود حمله به عثمانی نموده آنان را شکست داد و اولادش کشته‏ شدند وقتی روسها چنانچه مراجعت نماید منصب و اموال او را خواهند داد.

این مرد از نظر علاقه به عباس میرزا حاضر بمراجعت نشد در ایران اعقاب او اینک‏ بنام لاچینی او اتابکی سکونت دادند...(1)

دلایل این خاندان در این مورد فرامین و دستخطها و توصیه‏های مکرر و شدید نایب- السلطنه عباس میرزا به محمد شاه و گلین خانم(زن محمد شاه)و ناصر الدین شاه است که از سوی این خاندان در رساله‏ای گردآوری و چاپ شده است طبق اظهاراتشان اصل آن در کتابخانهء سلطنتی...نگهداری می‏شود.

در این اسناد از حماسه شورانگیز مردی جنگاور و رزمجو و فداکار بنام(لاچین خان‏ پسر گرگین خان)یاد شود که ابتدا به آقا محمد خان قاجار در جنگ(چوپان)گرجستان‏ کمک زیاد می‏کند و پسر جوانش در این نبردها کشته می‏شود.

در کتابهای گوناگون ما حماسه بزرگی از یک مسلمان پرباور و قهرمان ناسیونالیسم قفقاز بنام(شیخ شامل)شنیده‏ایم بنابراین حال که سخن از رزمندگان ناسیونالیست قفقاز است باید یادی از این مرد بزرگ و شیرزنان داغستان و فاطمه خواهر شیخ شامل بکنیم که‏ 25 سال در میان کوهستانات بی‏اینکه با مددگیری از انگلیسها که پیشنهاد کمک به او کردند با متجاوزین و ارتش نیکلا جنگید و نام خود را در تاریخ شرق جاودانه بجا گذاشت‏ بهرحال در اسناد بالا از سوی عباس میرزا از لاچین خان به نیکنامی یاد شده است. آنچه در این اسناد قابل تأمل و تعمق زیاد است پیش‏بینی عباس میرزا درباره سرنوشت‏ آصف الدوله و قائم مقام است.

بر بنیاد این اسناد از کسان لاچین دو شخصیت معروف باقی میماند یکی یوسف خان پسر لاچین خان است که به امیری توپخانه میرسد،در جنگهای خراسان شرکت می‏کند و در هرات کشته‏ می‏شود.دیگری زال بیک خواهرزاده لاچین خان است که مورد محبت عباس میرزا بوده است خاندان‏ اتابکی نیای مادری خود را به این شخص میرسانند.

نکته‏ایکه در این اسناد روشن نشده و حتی اشاره بآن نگردیده است هویت گرگین پدر لاچین میباشد که اگر این گرگین همان حکمران و والی پیشین گرجستان و لاچین فرزند اوست‏ چرا در این دستخطها با همه توضیحاتی که در اطراف لاچین داده شده است اشاره به-نسب بزرگ و معروف وی نشده است؟از آنسو در تاریخ هم با شرحی که در اطراف تهمورس‏ پسر گرگین نوشته شده چرا اشاره به هویت و شخصیت برادر وی لاچین نشده است؟دیدیم‏ که تهمورس پس از بهم ریختن اوضاع گرجستان بعد از جنگ و ستیز با روسیان به ایران آمده‏ استـ

در هر صورت خاندان اتابکی معتقدند که این گرگین خان پسر اراکلی خان و لاچین پسر گرگین،زال بیک نیای بزرگ خاندان اتابکی خواهرزاده لاچین خان است.

با اینکه این اسناد اخیرا چاپ و نشر یافته مثل اینکه سابق مورد استفاده بوده است‏ چه عده‏ای از مورخان و محققان منجمله اعتماد السلطنه(محمد حسن اعتماد وقدم)مورخ‏ معروف دوره قاجار ضمن شرح حال امین السلطان در درستی این اسنادتردید کرده آنها را ساختگی میداند.مهدی بامداد پژوهشگر فقید آگاه نیز در درستی این اسناد شک می‏کند و معتقد است:باید ساخته و پرداخته امین السلطان پدر یا پسر بوده باشد2)

بزرگان این خاندان برای لاچین خان خواهری بنام نازآفرین می‏شناسد که به عقد زکی‏خان در میآید فرزندیکه از این پیوند بوجود میآید همان زال بیک پدر محمد ابراهیم‏ امین السلطان است که عباس میرزا در دستخطهایش نامی از این شخص برده است. اعتماد السلطنه و سایر پژوهشگران و تاریخدان و آگاهان از آنجمله.میرزا علیخان‏ امین الدوله سرآرتور هاردینگ،جرج چرچیل،لرد گرزن،دکتر فوریه،ژنرال سایکس،اعظام الوزراه‏1معتقدند جد خاندان اتابکی از اسیران جنگی قفقاز بوده اصلا ارمنی هستند و چون گرجی بودن در ایران محبوبیت بیشتر داشته خود را گرجی می‏خواندند.

زال بیک اول شخصی که از این خاندان در محیطهای سیاسی از او نامبرده شده است. پسر زکی خان است در 1188 خ.(1809 م)زمان فتحعلیشاه جزء اسیران جنگی قشون‏ روس می‏آورند ولی اعتماد السلطنه او را چنین می‏شناساند:(از ارامنه سلماس بود،آقا محمد، خان گرجی از منسوبان منوچهر خان معتمد الدوله خواجه‏باشی فتعلیشاه خانه شاگرد شد سپس به منزل سلیمان خان اعتماد الدوله قاجار واقع در ارک رفت و بحکم امیر سلیمان خان‏ زال را ختنه کردند و بکیش مسلمانیش درآوردند و در زمره غلامان امیر قرار دادند.زال‏ در منزل خان زنی گرفت و از او فرزندانی آورد که دو پسرش را بنام ابراهیم و اسکندر خواندند)امین الدوله زال بیک را از اسیران تفلیس می‏نویسد.سایکس او را گرجستانی‏ و آشپز ساکن گورتن اصفهان میداند4بمناسبت این شخص گروهی از آنجمله اعتماد السلطنه‏ خاندان اتابکی را خاندان آل زار نامیده است.

زال بیک در سال 1249 ق.هـ.(1834)بدرود زندگی می‏گوید5

اسکندر بیک فرزند بزرگ زال بیگ،اسکندر بیک است.هنگامیکه ناصر الدین میرزا ولیعهد به حکمرانی آذربایجان منصوب شد مهد علیا مادر ولیعهد نوه امیر سلیمان خان که بهمراه‏ ناصر الدین میرزا به تبریز میرفت اسکندر بیک را با برادرش ابراهیم با خود برد اسکندر به سمت آبداری ولیعهد انتخاب و برادرش شاگرد او شو موقعیکه ناصر الدین شاه به سلطنت میرسد اسکند بیگ را بعنوان سقاباشی در رأس آبدارخانه دربار ناصر الدینشاه بخدمت مشغول بود... اسکندر بیک سفری به مکه میرود و در بازگشت فوت می‏کند.چرچیل او را در دربار(کفشدوز سلطنتی)مینویسد.تاریخ مرگ او را در 1848 میلادی هنگام سلطنت محمد شاه تعیین میکند.امین- الدوله به اشتباه او را پسر زال بیگ میداند.

(ناتمام)

(1)-یادداشتهای عباس میرزا:لاچینی.

(2)-خوابنامه یا خلسه اعتماد السلطنه 85 و 2 تاریخ رجال ایران.

(3)-خاطرات سیاسی امین الدوله صفحه 31-ایران و قضیه ایران صفحه 204 خاطرات من‏ سرگذشت مسعودی 3-سه سال در دربار ایران 132

(4)-خوابنامه یا خلسه اعتماد السلطنه 85

(5)-تاریخ ایران سایکس جلد 2 صفحه 591.